

زینت نمایی در قرآن

زهرة رستمی

چکیده

"زین" در لغت به معنای "حسن و نیکویی" و در اصطلاح به معنای: "هر امر زیبایی است که وقتی منضم به چیزی شود، به او جمال بخشیده و مایه رغبت و جلب توجه بینندگان می شود". زینت شامل زینت باطنی، زینت خارجی و زینت بدنی می شود. طبق آیات قرآن زینت نمایی در صورتی که منجر به سوق انسان به سمت اعمال نیک باشد، ممدوح و فاعل آن خدای متعال و در صورتی که باعث گرایش انسان به سمت گناهان باشد، امری ناپسند و عامل آن شیطان می باشد. شیطان نیز از طریق وسوسه و نفوذ در اندیشه و خیال، انسان ها را فریب می دهد، مگر افرادی که در زمره مخلصین هستند. که راه رهایی از فریب و نیرنگ او توسل به خداوند متعال و ائمه اطهار ع است.

کلیدواژه ها: خدا، شیطان، تزئین، انسان.



دل بستن انسان به زخارف دنیوی یکی از مسائلی است که خداوند متعال در آیاتی از قرآن به این مسئله توجه داده، و انسان‌ها را از آن نهی می‌کند. انسان‌ها نیز در مواجهه با این زخارف دو دسته‌اند: گروهی به نعم مادی دل می‌بندند، و عده‌ای از آن به‌عنوان مقدمه‌ای برای رسیدن به کمال استفاده می‌کنند. از این رو نوشتار حاضر با روش توصیفی، با مراجعه به آیات و روایات درصدد بیان عوامل ایجاد دل‌بستگی و ممدوح یا مذموم بودن آن است.

معنای زینت

"زین" در لغت: خلاف "شین" و به معنای "حسن و نیکویی شیء" است. (ر.ک: فیومی، ۱۴۱۴ ه.ق، ج ۲، ص: ۲۶۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۳، ص: ۲۰۱ و...) و در اصطلاح: "به معنای هر امر زیبایی است که وقتی منضم به چیزی شود، جمالی به او می‌بخشد، که رغبت هر کسی را به سوی آن جلب می‌کند. (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۷۴ ش، ج ۱۳، ص: ۳۳۳)

انواع زینت

۱- زینت باطنی. مثل "علم و اعتقادات خوب". همان‌طور که خداوند متعال می‌فرماید: «وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَبٌ إِلَيْكُمْ الْإِيمَانَ وَزِينَةً فِي قُلُوبِكُمْ...؛ ولیکن خدای تعالی ایمان را محبوب شما کرد و در دل‌هایتان زینت داد». (حجرات/۷)

۲- زینت خارجی. مثل "زیور و مال و غیره". مانند: «إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا؛ ما این چیزها را که روی زمین هست آرایش آن کرده‌ایم». (کهف/۷)؛ «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا...؛ مال و فرزندان زیور زندگی این دنیا است». (کهف/۴۶)؛ «حَمَلْنَا أَوْزَارًا مِنْ زِينَةِ الْقَوْمِ؛ محموله‌هایی از زیور فرعونیان با خود برداشته بودیم». (طه/۸۷).

۳- زینت بدنی. مثل "نیرومندی و غیره". (ر.ک: راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ص: ۱۶۸؛ قرشی، ۱۳۷۱ ش، ج ۳، ص: ۱۹۶)

اما زینت اصلی و راستین چیزی است که انسان را در هیچ‌یک از حالاتش نه در دنیا و نه در آخرت آلوده و ناپاک نمی‌کند. و اما آنچه که انسان را در حالتی غیر از حالت دیگر زینت دهد و آراسته کند، از یک جهت در همان معنی شین یا زشتی است. (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۵، ص: ۴۲۵؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ص: ۱۶۸)

تفاوت زینت با جمال

"زینت صرفاً به زیبایی و آرایش اطلاق می‌شود، که یک امر عارضی است. و با ضمیمه کردن شیء دیگری از خارج حاصل می‌شود، ولی جمال به زیبایی اصلی خود شیء که خودبه‌خود و به‌طور طبیعی در آن وجود دارد، گفته می‌شود." (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ص: ۲۸۸)

خداوند در آیات متعددی مسئله زینت را مطرح کرده، به‌عنوان مثال در سوره "آل عمران" آیه "۱۴" می‌فرماید: «زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا...»؛ «علاقه شهوات یعنی زنان و فرزندان و گنجینه‌های پر از طلا و نقره و اسبان نشان‌دار و چارپایان و مزرعه‌ها در نظر مردم جلوه داده شده است، با اینکه همه این‌ها وسیله زندگی موقت دنیاست...». آنچه در این آیه نام برده شده، مثل: «الْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ» و «الْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ» و «الْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ» همگی در نظر انسان زینت داده شده، و انسان را شیفته خود می‌کنند، برای اینکه از آن‌ها بهره مند شود.

فاعل زینت

خداوند دل‌های انسان‌ها را تسخیر کرده و علاقه به این امور را به‌صورت غریزی در نهاد آنان قرار داده، تا زندگی دنیایی و زمینی آن‌ها تأمین شود، چون اگر غریزه حب دنیا در انسان، گذارده نشده بود، زندگی او در این کره خاکی دوام نمی‌یافت، کسی به دنبال تولیدمثل نمی‌رفت، و نسل بشر قطع می‌شد، اما خداوند چنین مقدر کرده که انسان تا زمان معینی در زمین زندگی کند، و علت اینکه خداوند چنین مقدر کرده که انسان علاقه‌مند و دوست‌دار دنیا باشد، این است که زندگی دنیا را وسیله زندگی آخرت قرار دهند، نه اینکه آن را هدف



پنداشته و ماورای آن را فراموش کنند. اما متأسفانه انسان‌های غافل، این وسائل ظاهری را که مقدماتی برای رسیدن به رضوان الهی هستند، اموری مستقل پنداشتند، و خیال کردند که این امور مادی می‌تواند آن‌ها را از خداوند بی‌نیاز کند. (ر.ک: طباطبایی، همان، ج ۳، ص ۱۴۶)

امام صادق^ع می‌فرماید: «ما تلذذ الناس في الدنيا والاخرة بلذة أكثر لهم من لذة النساء وهو قول الله عز وجل: "زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ..."، ثم قال: وان أهل الجنة ما يتلذذون بشيء من الجنة أشهى عندهم من النكاح لا طعام ولا شراب؛ برای مردم در دنیا و آخرت لذتی بالاتر از لذت زنان نیست، همان‌طور که خداوند متعال می‌فرماید: "زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ..."، سپس فرمودند: همانا اهل بهشت برای آن‌ها در بهشت لذتی بالاتر از نکاح وجود ندارد، نه طعام و شراب». (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ص: ۳۲۰)

علت زینت نمایی

چرا خداوند، دنیا و آن چه در آن است را در نظر انسان زینت می‌دهد؟ آیا انسان‌ها را با این گول زنگ، گول می‌زند؟

خیر، از ساحت خداوند به دور است که انسان را به خلاف واقع بيفکند، و به انسان این‌طور وانمود کند که عوامل دنیایی مستقل در تأثیرند، و زینت دنیا هدف غایی بشر است. بلکه اگر قرار باشد این گول و فریب را به کسی نسبت دهیم، باید بگوییم که این شیطان است که انسان‌ها را فریب می‌دهد. (طباطبایی، همان، ص ۱۴۸) همان‌طور که خداوند در آیات متعدد می‌فرماید:

«وَجَدْتَهَا وَ قَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ؛ شیطان اعمال زشتشان را در نظرشان زینت داده و در نتیجه از راه آنان را بازداشته». (نمل/۲۴)

«وَ كَذَلِكَ زَيْنَ لِفِرْعَوْنَ سُوءَ عَمَلِهِ وَ صَدَّ عَنِ السَّبِيلِ؛ و اینچنین شیطان عمل زشت فرعون را در نظرش زیبا جلوه داده بود و او را از راه رشد باز داشته بود». (غافر/۳۷)

«وَ إِذَا زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ؛ و شیطان اعمال آن‌ها را در نظرشان جلوه داده است». (نمل/۲۴)

همین‌طور حضرت علی^ع در خطبه "۱۵۷" نهج البلاغه می‌فرماید: «فَمَنْ شَغَلَ نَفْسَهُ بِغَيْرِ نَفْسِهِ تَحْيِيرَ فِي الظُّلُمَاتِ وَ ارْتَبَكَ فِي الْهَلَكَاتِ وَ مَدَّتْ بِهِ شَيْطَانُهُ فِي طُغْيَانِهِ وَ زَيْنَتْ لَهُ سَيِّئَ أَعْمَالِهِ...؛ هرکسی نفسش را به غیر خودش مشغول دارد، در ظلمات متحیر می‌شود و مرتکب مهلکات می‌شود و شیطان او را به طغیان و سرکشی فرامی‌خواند و اعمال زشتش را برایش زینت می‌دهد...». (سیدرضی، ۱۴۱۴ ق، خ ۱۵۷، ص: ۲۲۱) همچنین می‌فرماید: «الشيطان موكل بالإنسان، يزين له المعصية ليركبها؛ شیطان موکل انسان است، معصیت را برای او زینت می‌دهد تا آن را مرتکب شود». (همان، ص: ۷۵۰)

انحاء زینت نمایی دنیا

تزیین و جلوه‌گری دنیا در نظر مردم دو جور تصور می‌شود:

۱- برای اینکه بنده خدا به وسیله دنیا به آخرت برسد، و خشنودی خدا را با اعمال مختلف و به کار بردن مال و جاه و اولاد و جان به دست آورد. و این خود سلوکی پسندیده و الهی است که خداوند این‌گونه موارد را به خودش نسبت داده است. همان‌طور که در آیه "۱۰۸" سوره انعام می‌فرماید: «قل من حرم زينة الله التي اخرج لعباده والطيبات من الرزق؛ بگو چه کسی زینت دنیایی را که خدا برای بندگانش درست کرده و نیز رزق پاکیزه را حرام نموده است؟ (طباطبایی، همان؛ رک: مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص: ۳۰۹ و ۲۹۸؛ دستغیب، ۱۳۸۴، ص: ۸۲۶)

خداوند خطاب به حضرت موسی^ع می‌فرماید: " ای موسی، فرزندان دنیا و اهل آن بعضی وسیله آزمایش برای بعضی دیگر هستند، پس هرکسی حظ و بهره اوزینتی است که اختیار کرده و مومن کسی است که آخرت برای او زینت داده شده، پس پیوسته به آن می‌نگرد، درحالی‌که شهوتش بین او و لذت زندگی حائل می‌شود، و مانند سواری که به سوی هدف حرکت می‌کند، شب زنده داری می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۳، ص: ۳۲۳؛ کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۸، ص: ۴۲ و...)

۲- جلوه‌گری دنیا به این منظور که دل‌ها شیفته دنیا شده، و از ما ورای آن غافل و از ذکر خدا بی‌خبر شود، که این قسم جلوه‌گری تصرفی مذموم و شیطانی است. که خداوند سبحان آن را به شیطان نسبت داده است، و انسان‌ها را از آن بر حذر نموده است. (ر.ک: طباطبایی، همان، ص ۱۵۲؛ ر.ک: مصباح یزدی، همان)

همان‌طور که از قول شیطان حکایت فرموده که عرضه داشت: «رَبِّ بِمَا أَعُوذُ بِكَ لِأَزِينَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَا أَعُوذُ بِهِمْ أَجْمَعِينَ؛ پروردگارا به خاطر اینکه مرا اغوا کردی من همهٔ بندگان تو را در زمین از راه زینت دادن زندگی گمراه خواهم کرد». (حجر/۳۹)

انحاء زینت نمایی شیطان

تزیین شیطان دو قسم است:

۱- بخش حدوئی: به این نحو که آنچه که روی زمین است را تزیین می‌کند.

۲- تزیین بقایی: به این نحو که کار زشت انسان را برای او زیبا نشان می‌دهد.

بنابراین حدوئاً انسان کم خرد را به دلباختگی طبیعت دعوت می‌کند، بعد از دعوت، فعل را برای او زیبا جلوه می‌دهد و اونیز کار خود را خوب می‌پندارد "یحسبون انهم يحسنون صنعا؛ می‌پندارند که رفتار نیکو دارند». (کهف/۱۰۴). (ر.ک: سایت اسراء، جوادی آملی، تفسیر سوره مبارکه حجر، جلسه ۴۱)

شیوه نفوذ شیطان در انسان

شیطان از جهت‌های گوناگون به انسان هجوم می‌آورد، گاهی از پیش رو، گاهی از پشت سر، گاهی از راست و گاهی هم از چپ. در آیه "۱۷" سوره اعراف، آمده است که شیطان از چهار جهت انسان را گمراه می‌کند، مراد از جهت روبرو، آخرت و امور مربوط به آن است، و مراد از جهت پشت، دنیاست که نماد آن مال است، و مراد از جهت راست و چپ حسنات و سیئات است. (طوسی، بی‌تا، ج ۴، ص: ۳۶۵؛ طبرسی، ۱۳۶۰ ش، ج ۹، ص: ۶۴ و...)

اما مهم‌ترین شیوه تسلط او پس از تهاجم و نزدیک شدن به انسان، تصرف در اندیشه و خیال است. یادآوری این نکته نیز لازم است که، عامل قریب نفوذ شیطان در اندیشه آدمی، نفس اماره اوست. اگر نفس اماره که عامل نفوذی ابلیس است، نباشد نظیر این است که سمی وارد دهان انسان شود، ولی به دستگاه گوارش او نرسد، یا دستگاه گوارش آن را قبول نکند. بر همین اساس، خدای سبحان همین وسوسه و اضلال منسوب به شیطان را در بعضی از آیات به نفس اماره انسان نسبت می‌دهد. «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَ نَعَلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَ نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ؛ و ما انسان را خلق کرده‌ایم و از وساوس و اندیشه‌های نفس او کاملاً آگاهیم که ما از رگ گردن او به او نزدیک‌تریم». (ق/۱۶) این اسناد نشان می‌دهد که اگر چه راه نفوذ شیطان اندیشه و فکر انسان است، اما محور اندیشه‌های شیطانی نفس اماره آدمی است. (جوادی آملی، ۱۳۸۴ ش، ج ۳، ص: ۳۹۳)

مراحل تصرف شیطان

چون تزیین یک امر فکری است، معمولاً شیطان از راه اندیشه انسان رابه دام می‌افکند.

مرحله اول: تلاش می‌کند که حیات را در دنیا خلاصه کند و بگوید: بعد از دنیا خبری نیست. «إِنْ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا؛ زندگانی جز این چند روزه حیات دنیایمان بیش نیست». (مومنون/۳۷).

مرحله دوم: انسان را به تسویف مبتلا می‌کند. «سوف استغفر؛ بعداً استغفار می‌کنم»، «سوف اتوب؛ بعداً توبه می‌کنم»، «سوف أحج؛ بعداً حج می‌روم»، «سوف اصلی؛ بعداً نماز می‌خوانم»، «سوف أصوم؛ بعداً روزه می‌گیرم»، «سوف أقضى ما فات مني؛ بعداً از دست رفته‌ها را جبران می‌کنم».

مرحله سوم: توجیه می‌کند. یعنی دنی و پست را عالی و کارزشت را زیبا نشان می‌دهد، همان‌طور که خداوند می‌فرماید: «زَيْنَ لَهُ سُوءَ عَمَلِهِ قَرَأَهُ حَسَنًا...؛ کردار زشتش به چشم زیبا جلوه داده شده و آن را نیکو می‌بیند...» (فاطر/۸). (سایت اسرا، جوادی آملی، تفسیر سوره فاطر، جلسه ۳۹۶)

حضرت امیر [۲] درباره منافقان، کافران و تبهکاران که پیروان شیطان‌اند، می‌فرماید: «اتخذوا الشيطان لأمرهم ملاكاً، واتخذهم له أشراكاً فباض وفرخ في صدورهم، ودب ودرج في حجورهم، فنظر بأعينهم، ونطق بألسنتهم، فركب بهم الزلل، وزين لهم الخطل، فعل من قد شره الشيطان في سلطانه ونطق بالباطل على لسانه؛ اینان شیطان را ملاک و معیار ارزش علوم و اعمال خود قرار دادند. شیطان نیز ایشان را شریک اندیشه و کار خود قرار داده، سپس او در دلشان تخم گذاری کرده، تخم‌ها را تا برآمدن جوجه‌ها پرورش می‌دهد و آنگاه جوجه‌های او از سینه انسان‌ها فرود آمده در دامنشان حرکت می‌کنند. پس شیطان با چشم آن‌ها می‌نگرد و با زبانشان سخن می‌گوید و با همکاری آن‌ها مرتکب لغزش‌ها می‌شود و کردارهای ناپسند را در نگاهشان زیبا جلوه می‌دهد. اعمالشان گواهی می‌دهد که با همکاری شیطان انجام شده است. کارهای چنین انسان‌های به دام افتاده هماهنگ با کار کسی است که شیطان در نفوذ و قدرت او شریک شده و با زبان او باطل می‌گوید.» (سید رضی، همان، ص: ۵۳)

همان‌طور که پرندگان در ساختن آشیانه امن، اول مواد و مصالح ساختمانی آن رافراهم می‌کنند و اگر محل آشیانه را امن یافتند و محدوده آن را از مزاحم خالی دیدند، با طمأنینه، ابتدا آشیانه می‌سازند و سپس در آن تخم گذاری کرده، و از تخم‌های خویش مراقبت می‌کنند تا جوجه‌هایشان از تخم درآیند و حرکت کنند. شیطان نیز همانند پرنده‌ای که برای ساختن آشیانه جای امن می‌خواهد، اگر آدمی را در برابر وسوسه‌اش حساس نیافت، مصالح ساختمانی آشیانه خود را که همان مکر و حیله و مانند آن است به آن‌جا منتقل می‌کند و پس از آشیانه سازی و تخم‌گذاری به پرورش جوجه‌های خود می‌پردازد و آنان را از دل انسان وسوسه زده به اندام‌هایش سرازیر می‌کند و آنگاه نگاه وسخن وسایر کارهای او را تسخیر می‌کند. بنابراین، نگاه به نامحرم همان جوجه شیطان است که پر درآورده و از دل او فرود آمده، به چشم وی قدم نهاده است و تهمت و دروغ، جوجه شیطانی است که از راه دل به زبان تبهکار او سرازیر شده است و آنگاه که همه سرزمین دل چنین انسان فریب خورده‌ای‌ای به دست شیطان افتاد و آن شخص به کفر یا نفاق گرایید، شیطان زمام انسان کافر یا منافق را به دست گرفته مرتکب هر لغزشی می‌شود. (ر.ک: جوادی آملی، همان، ص ۲۹۳)

در روایت وارد شده، هنگامی که سائل جسوری گفتاری ناروا به علی بن ابی طالب [۲] نسبت داد، آن حضرت در پاسخ فرمود: «ویحک... لا تُعدُّ لمثلها. فَإِنَّمَا نَفَثَ الشَّيْطَانُ عَلَى لِسَانِكَ»، یعنی گوینده این سخن ناصواب شیطان است، ولی با زبان تو سخن گفته است. (سید رضی، همان، ص: ۳۰۳؛ کلینی، همان، ج ۲؛ ص ۲۳۰)

ابزار اغوای شیطان

شیطان برای فریب و اغوای انسان‌ها همین نعمت‌های ظاهری را تزئین کرده، ابزار اغوای انسان‌ها قرار می‌دهد. «لأزیننَّ لهم في الأرض ولأغويَنهم أجمعين؛ هر آینه در زمین زینت می‌دهم در نظر آنان، و همه آنها را اغواء می‌کنم» (حجر/۳۹)

قرآن کریم زینت‌های ظاهری مانند: باغ و بنا را مایه آرایش زمین می‌داند و ابزار آزمایش انسان، نه مایه آراستگی انسان، و آن را ناپایدار معرفی می‌کند: «إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِنَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَإِنَّا لَجَاعِلُونَ مَا عَلَيْهَا صَعِيدًا جُرُزًا؛ ما این چیزها را که روی زمین هست آرایش آن کرده‌ایم تا آن‌ها را آزمایش کنیم که کدام‌یک از جهت عمل بهترند و ما آنچه را روی زمین هست خاک بایر می‌کنیم.» (کهف/ ۷ و ۸) بنابراین نعمت‌ها و مناصب دنیوی همان‌طور که فصل خرم و بهاری دارد، فصل پژمردگی و خزانی نیز دارد. پس زینت‌های ظاهری، زینت زمین است و سرانجام نیز پژمرده شده و به اجزای زمین تبدیل می‌شود. (ر.ک: جوادی آملی، همان، ج ۱، ص: ۵۲۹)

محدوده تزئین و اغوای شیطان

شیطان پس از رانده شدن، به خداوند گفت: «ربِّ بما أغويتني لأزیننَّ لهم في الأرض ولأغويَنهم أجمعين إلاَّ عبادك منهم المخلصين؛ خدایا چون مرا گمراه کردی زشتی‌ها را در زمین برای انسان‌ها می‌آرایم و همه را به کام گمراهی می‌کشانم، مگر بندگان مخلص تو را که نسبت به آنان تزئین و اغوا ندارم.» (حجر/ ۳۹ و ۴۰). بنابراین وسوسه‌گری شیطان، پس از روی گردانی انسان از ندای فطرت و الهامات رحمانی است. چنین کسانی که با اختیار و انتخاب خود کفر ورزیده، قابلیت محبت و همراهی با پاک‌ترین انسان‌های روی زمین را ازدست‌داده‌اند؛ سزاوار



آن هستند که به وسوسه‌های شیطانی گرفتار شوند و این خود نوعی مجازات الهی نسبت به آنان در همین دنیا است. (جوادی آملی، همان، ص: ۴۶۹)

سؤال: چگونه شیطان، حضرت ایوب را گرفتار کرده است، درحالی‌که شیطان، نسبت به بندگان مخلص خدا سلطه‌ای ندارد؟ همچنین رنج و عذابی که حضرت ایوب دچار آن شده، کدام است، درحالی‌که او معصوم است؟

پاسخ: شکی نیست که شیطان بر بندگان مخلص خدا، به‌ویژه بر پیامبران بزرگ، چیرگی ندارد، ولی می‌تواند موانعی در راه آنان پدید آورد و با نیرنگ‌های خود، زندگی را بر آنان سخت و رنج‌آور کند. شیطان بر ایوب^۱ تسلط نداشت و در قلب نورانی حضرت جایگاهی نداشت. و حضرت هیچ‌گاه مورد طمع او واقع نشد. ولی شیطان می‌تواند، با نیرنگ‌های خود نسبت به بستگان و هم‌نشینان ایوب، موجب آزار او شود و او را به رنج و اندوه دچار کند. به همین دلیل در آیه دیگر، از گرفتاری ایوب، به "ضر" یعنی سوء حال و رنج، تعبیر شده است: «وَ أَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَلَمْ يَكُن مِّنَ السَّاجِدِينَ وَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَ آتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَ مِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنَّا وَ ذِكْرًا لِلْعَابِدِينَ» یاد کن حال ایوب را وقتی که دعا کرد که ای پروردگار! مرا بیماری و رنج سخت رسیده و تو از همه مهربانان عالم برتری. پس ما دعای او را مستجاب کردیم و درد و رنجش را برطرف ساختیم و به لطف و رحمت خود، اهل و فرزندان او را با عده دیگر به‌مثل آن‌ها باز به او عطا کردیم، تا اهل عبادت و متذکر لطف و احسان ما شوند. (انبیاء/ ۸۳ و ۸۴). (معرفت و وکیلی، ۱۳۷۴، ص: ۶۲۰)

همچنین در داستان موسی^۲ و جوان همراه او آمده است، که آنان فراموش کردند ماهی (غذای) خود را همراه ببرند و آن را در محل توقف خود جا گذاشتند. «وَ مَا أَنسَانِيهِ إِلَّا الشَّيْطَانُ أَنْ أَذْكُرَهُ؛ مَنْ مَاهِي رَا فَرَامُوش كَرْدَم وَ شَيْطَانُ از يَادَم بَرْد». (کهف/ ۶۳) و حضرت موسی^۳ فراموشی خود را به شیطان نسبت می‌دهد. این پرسش پیش می‌آید که چگونه ابلیس بر مشاعر یکی از اولیای خدا مسلط شده است، درحالی‌که خداوند به شیطان گفته است که "تو هرگز بر بندگان مخلص من تسلط و غلبه نخواهی داشت؟

پاسخ: این تسلط شیطان، تسلط بر خرد و اندیشه موسی^۳ نیست و تنها از مقوله پدید آوردن مانع و دشواری در زندگی اولیای خداست و نیز فراهم آمدن علل و اسبابی برای انصراف آنان از جهتی به جهت دیگر است، که گاهی جهت نخستین مورد غفلت و فراموشی قرار می‌گیرد. (همان، ص: ۶۲۳)

نحوه تصرف شیطان در عالم طبیعت

تصرف شیطان در عالم طبیعت به‌طور مستقل نیست. بلکه این نوع جلوه‌گری از جهتی به خدا نسبت داده می‌شود، البته در طول نسبتی که به شیطان دارد. زیرا شیطان و هر سببی از اسباب خیر و یا شرّ هر عملی را که انجام می‌دهد و هر دخل و تصرفی که در ملک خدا دارد به اذن خود اوست، تا اراده خدا و مشیت او نافذ شود، و با نفوذ امر او، امر صنع و ایجاد منتظم گردد، و در نتیجه رستگاران با اراده و اختیار خود رستگار شوند، و مجرمین هم با سوء اختیار خود از رستگاران، ممتاز و جدا گردند. (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۴۲؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۹۶ و...)

آیت‌الله جوادی آملی می‌فرماید:

هر چیزی که در عالم رخ دهد، اگر خیر باشد، بی‌واسطه به خدا نسبت دارد: «ما اصابك من حسنۃ فمن الله؛ خوبی‌هایی که به تو می‌رسد از ناحیه خداست». (نساء/ ۷۶) و چنانچه شرّ باشد، باواسطه به خداوند انتساب دارد، زیرا کیفر اعمال که دامن انسان را می‌گیرد، خودبه‌خود ظهور نمی‌کند، بلکه قاضی عدل و حاکم که خداست، به عمل کیفر می‌دهد، یا عمل را به‌صورت کیفر می‌نمایاند. بنابراین آنچه در عالم هست، «حسنه» اش، هم من «عند الله» است و هم «من الله» و سیئه‌اش فقط «من عندالله» است ولی «من الله» نیست. (ر.ک: جوادی آملی، همان، ج ۲۳، ص ۳۰۵)

راه‌هایی از شیطان

کار شیطان وسوسه کردن است و با ذکر قلبی یعنی یاد خدا و متذکر شدن قدرت و عظمت او، و یا توسل به اولیای الهی ع می‌توان از این وسوسه‌ها رها شد و یا آن را به حداقل رسانید و شیطان را تسلیم نمود. (ر.ک: نراقی، ۱۳۸۶، ص: ۱۲۵) چنانچه در روایت داریم که پیامبر اسلام^۴ فرمودند: «شیطان من به دست من مؤمن و رام گردید.» (مجلسی، همان، ج ۶۰، ص: ۱۳۱)

حوزه علمیہ حضرت عبدالعظیم علیہ السلام - خواہران



با توجه به مطالبی که گذشت، تزئین و جلوه‌گری به دو نحو تصور می‌شود: اول اینکه انسان به وسیله دنیا به آخرت برسد، و خشنودی خدا را با به کار بردن مال و مقام و اولاد به دست آورد. که این امری پسندیده و مورد رضایت الهی است و عامل این جلوه‌نمایی خداوند می‌باشد. به دلیل اینکه خداوند این میل غریزی را در انسان‌ها نهاده تا امور دنیوی و زندگی او در این جهان تأمین و وسیله‌ای برای رسیدن به هدف و تأمین آخرت او باشد، اما اگر این زینت‌نمایی منجر به خوشایندی اعمال سوء و سوق انسان به سمت گناهان شود، امری مذموم و تصرفی شیطانی است، که تصرف او نیز به وسیله ایجاد وسوسه از طریق نفوذ در اندیشه و نفس اماره انجام می‌شود، البته نه به صورت مستقل بلکه به اذن و اراده الهی، که خداوند انسان‌ها را از اینکه دچار این امر مهلک شوند بر حذر داشته است، که این امر با توکل بر خداوند و توسل به ائمه ع امکان‌پذیر می‌باشد.

فهرست منابع:

قرآن مجید.

آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ ق) روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۲، بیروت: دارالکتب العلمیه.

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۳۶۳ ق) محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، تحف العقول، قم: جامعه مدرسین.

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ / ۱۳۶۳ ق)، تحف العقول، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، قم: جامعه مدرسین.

ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغه (۱۴۰۴ ه.ق) ج ۳، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق) لسان العرب، ج ۱۲، بیروت: دار صادر.

ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ ق) روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ج ۱۵، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

امین سیده نصرت (۱۳۶۱ ش) مخزن العرفان در تفسیر قرآن ج ۳، تهران: نهضت زنان مسلمان.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴ ش) تفسیر تسنیم، ج ۲۳، ۲۳، ۱، قم: اسرا.

حر عاملی، محمد بن حسن (بی تا) الجواهر السنیة فی الأحادیث القدسیة، مترجم: کاظمی خلخالی، زین العابدین، تهران: انتشارات دهقان.

دستغیب، سید عبد الحسین (۱۳۸۴) قلب سلیم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۰۸ ق) أعلام الدین فی صفات المؤمنین، محقق / مصحح: مؤسسه آل البيت ع، قم: مؤسسه آل البيت ع.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق) المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دارالعلم الدار الشامیه.

زمخشری، محمود (۱۴۰۷ ق) الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۱، بیروت: دار الکتب العربی.

سیدرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ ق)، نهج البلاغه، محقق / مصحح: صالح، صبحی، خ ۱۵۷، قم: هجرت.

صاحب، اسماعیل بن عباد (۱۴۱۴ ه.ق) المحيط فی اللغة، محقق / مصحح: آل یاسین، محمدحسن، ج ۹، بیروت: عالم الکتب.

طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴ ش) المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۵، ۱۳، ۱۷، ۳، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۰ ش) ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ۱۴، تهران: فراهانی.

طوسی، محمد بن حسن (بی تا) التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۶، بیروت: دار احیاء التراث العربی.



- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵ ق) تفسیر نور الثقلین، ج ۱، قم: انتشارات اسماعیلیان.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ ق) مفاتیح الغیب، ج ۷، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی (۱۴۰۶ ق) الوافی، ج ۲۶، اصفهان: کتابخانه امام امیر المؤمنین علیؑ تاریخ.
- فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ هـ) المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، ج ۲، قم: موسسه دار الهجرة.
- قرشی سید علی اکبر (۱۳۷۱ ش) قاموس قرآن، ج ۳، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا (۱۳۶۸ ش) کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۱، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق) الکافی، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۲، ۸، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۱۱۰ ق) بحار الأنوار، ج ۱۳، ۶۰، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۴ ق) مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، محقق / مصحح: رسولی محلاتی، سید هاشم، ج ۲۵، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۰) اخلاق در قرآن، ج ۲، قم: موسسه امام خمینی.
- معرفت، محمد هادی؛ وکیل، ابو محمد (۱۳۷۴) آموزش علوم قرآن، ترجمه التمهید فی علوم القرآن بی جا: سازمان تبلیغات اسلامی.
- نراقی، احمد (۱۳۸۶) معراج السعاده، تهران: فخررازی.
- ورام بن أبی فراس، مسعود بن عیسی (۱۴۱۰ ق) مجموعه ورام، ج ۲، قم: مکتبه فقیه.
- سایت اسرا.

